

مروری بر اخلاق فردی (زهد، شجاعت، عدالت و مبارزه با فساد اداری) حکومتی در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

حسین جلائی نوبری^۱، فاضل جلائی نوبری^۲

^۱ دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز ایران عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی-تجارت الکترونیک، دانشگاه مهر البرز تهران

چکیده

نگارنده در این مقاله بر آن است اخلاق حکومت را در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب به دست آورد و با ارائه راهکار مناسب به نتیجه مطلوب برسد. وی در ابتدا با بیان پیشینه مقاله و با نگاهی اجمالی به بیانیه گام دوم انقلاب سه شاخص اخلاقی را که رهبری در بیانیه به آن ها تاکید کرده است را انتخاب کرده که عبارتند از شجاعت، ساده زیستی، و عدل و مبارزه با فساد اداری و آن ها را با توجه به آیات و روایات موجود و همچنین با تاکید بر بیانیه گام دوم توضیح و شرح داده است و در آخر برای هر کدام راهکار های ارائه کرده است. روشی که در این مقاله به کار رفته کتابخانه ای بود و تحلیلی - توصیفی می باشد و نگارنده بعد از استفاده از منابع یاد شده به این نتیجه می رسد که اگر در جامعه ای این اخلاقیات به عنوان سرمشق و ملکه ذهنی زمامدارانش باشد آن جامعه و کشور، کشوری آزاد و آباد خواهد بود.

واژه های کلیدی: اخلاق، اخلاق حکومتی، بیانیه گام دوم.

مقدمه

«اخلاق» جمع «خَلَق» و «خُلِق» می باشد. خَلَق، ویژه قوا و سجایایی است که با فطرت درک می شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۷) خلق فقط فعل بیرونی نیست. بلکه آن حالات و صفات پایدار نفسانی ای را در بر می گیرد که خواستگاه رفتار آدمی است؛ به گونه ای که انسان بی درنگ، کار پسندیده یا نا پسند را انجام دهد. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۳۷ و جوهری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۴۷۱)

زندگی پیشوایان دینی نیز سرتاسر بیانگر همین موضوع است که آنها در همه جا به فضایل اخلاقی دعوت می کردند و خود الگو زنده و اسوه حسنه ای در این باره بودند. قرآن مجید یکی از ویژگی های پیامبر را خلق عظیم معرفی می کند و می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» به درستی که تو دارای اخلاق عظیم و برجسته هستی. و رسول الله در حدیث معروفی می فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۱۰، ص ۳۲۳) من فقط برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده ام.

اهمیت مطلب به قدری است که خداوند پیامبرانی با هدف تکمیل اخلاقیات مبعوث فرموده است. ولی در عصر کنونی ما این بعد از زندگی بشر به شدت رنگ باخته و جای خود را به امور دنیوی و مادی سپرده است.

هر جامعه ای که می خواهد به پیشرفت و تعالی برسد ابتدا باید در زمینه اخلاقی رشد کند و به جایگاه بالای دست یابد چون بنا به فرموده مقام معظم رهبری: «معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبود آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفرین».^۲

اولین قدم برای رشد و رسیدن به یک جامعه اخلاق مداری که اخلاقیات در آن رعایت می شود این است که اولاً حکومت ها خود باید منش و رفتار اخلاقی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهاد های اجتماعی در این باره میدان دهند.^۳ این یکی از سر فصل های اساسی در بیانیه گام دوم انقلاب می باشد و در قانون اساسی ایران، اخلاق خود به عنوان یک محدوده و عملکرد زمامداران مطرح می شود. اخلاقی عمل کردن و پاسداری از اهداف اخلاقی، به عنوان یک راهبرد قضایی، تقنینی و اجرایی مطرح است. (حبیب نژاد، منصوری بروجنی، ساحت اخلاق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر رویکرد حکومت دینی، ص ۶)

بعد از حکومت علوی، جمهوری اسلامی ایران حکومتی است که سعی در گسترش اخلاق دارد. تاکنون مطالعات فراوانی در زمینه اخلاق انقلاب اسلامی ایران انجام شده است مانند: «اهداف معنوی انقلاب اسلامی در ایران»، انیسه عبدالفتاح؛ «مراتب اخلاقی قانون اساسی جمهوری اسلامی»، محمد حسن روزبه؛ «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی»، اسماعیل رحیمی نژاد و مطالعه ات فراوان دیگری که با عناوین مختلف به این مبحث پرداختند.

اما مقاله پیش رو در تلاش است تا اخلاق حکومتی در جمهوری اسلامی ایران را با توجه به بیانیه گام دوم بررسی کند.

۱- قلم: ۴.

۲- <https://mizanonline.com>.

۳- همان.

۱. نگاهی گذرا به بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سرشار از نکات اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، حکومتی، فرهنگی و اقتصادی است. آنچه شاید بیش از همه در این بیانیه چشم نواز است، توجه به عنصر اخلاق و معنویت است و این توجه به دو گونه است:

۱. ارزیابی اخلاقی وضعیت موجود انقلاب اسلامی تا چهل سالگی است که ایشان ضمن توجه به ثمرات اخلاقی انقلاب به آسیب‌شناسی اخلاقی پرداخته و رهنمودهایی را ارائه فرموده‌اند.

۲. توجه به وضعیت مطلوب و پیش‌روی انقلاب و نظام اسلامی است که خود به دو شکل ترسیم شده است: الف. به شکل مستقل که در این بیانیه به عنوان یکی از اهداف و آرمان‌های جدی و اساسی گام دوم انقلاب ترسیم شده است.

ب. به عنوان عنصر اثر بخش در همه ارکان و ابعاد مختلف نظام جمهوری اسلامی که ایشان در جای جای بیانیه به آن اهتمام داشته‌اند. (فلاح، مجله معارف، شماره ۱۱۶)

ایشان به مهم‌ترین آسیب‌های جدی تهدید کننده حکوت اسلامی اشاره می‌فرمایند و معتقدند: «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌هاست». ایشان «وسوسه مال و مقام و ریاست» را به عنوان زمینه لغزش حکومت زمان حضرت امیر علیه السلام بیان می‌کند و زمینه‌ساز لغزش مسئولان نظام می‌داند. (همان)

۲. اخلاق حکومتی حاکمان حکومت اسلامی از دیدگاه رهبر

مقام معظم رهبری این ویژگی‌های مثبت اخلاقی حاکمان را مورد اشاره قرار می‌دهند که عبارتند از:

۱-۲. زهد و ساده زیستی

زهد ورزیدن نسبت به یک چیز به مفهوم اعراض از آن شی و به مقدار اندکی از آن رضایت دادن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۴، ص ۳۸۴ و ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۹۶) در فرهنگ عالمان اخلاق «زهد» عبارت است از اعراض قلبی و عملی از دنیا، مگر به مقداری که آدمی بدان نیاز ضروری دارد.

از مهم‌ترین مصداق‌های اخلاق اسلامی در مدیران ساده زیستی است مدیر بودن با زندگی تجملی و جلال و جبروت سازگار نیست. البته این به معنایی صوفیگری و ترک دنیا نیست بلکه ساده زیستی عزت مند و راستین که خواست اسلام است. به فرموده امام علی علیه السلام: «بر پیشوایان حق است که از نظر خوراک و پوشاک، به ضعیف‌ترین رعیتشان اقتدا کنند، به طوری که در چیزی که آن‌ها قدرتشان را ندارند، امتیازی بر آن‌ها نداشته باشند تا فقیر، وقتی که آن‌ها را مشاهده کرد، از خداوند به سبب آنچه که دارد، راضی باشد و ثروتمند نیز با دیدن آنان بر سپاس و فروتنی خویش بی‌فزاید.» و در بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری می‌فرماید: «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد.» (میزان الحکمه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۷)

اگر بخواهیم برای ساده زیستی تعریف مناسبی ارائه کنیم می‌توان گفت: «یعنی امور زندگی را سهل و آسان بگیرد و از تجمل و زرق و برق طلبی دوری کند خوراک و پوشاک ساده باشد و زندگی بر اصل سادگی استوار باش.» (کردی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳)

۱-۲. آسان زیستن

یکی از جنبه های ساده زیستی همانطور که مطرح شد آسان و راحت گرفتن زندگی است و این یعنی به آنچه خدا روزی کرده راضی باشیم.

ائمه سخت گیری در زندگی را نهی فرمودند و خود نیز آن را سرلوحی زندگی مبارکشان قرار دادند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحابشان که زندگی را بر خود و خانواده اش سخت می گرفت فرمود: «لَمْ يُرْسِلْنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ، وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمَحَةِ» (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۹۴) خداوند مرا برای رهبانیت نفرستاده است، بلکه مرا بر شریعتی فطری و آسان و با گذشت فرستاده.

همچنین آن حضرت می فرمایند: «لَزُهْدُ لَيْسَ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ، وَ لَكِنْ أَنْ يَكُونَ بَمَا فِي يَدَيِ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بَمَا فِي يَدَيْهِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۷۲) زهد به حرام کردن حلال (بر خود) نیست بلکه به این است که انسان به آنچه در دست خداوند است مطمئن تر باشد از آنچه در دست خودش است..

امام علی علیه السلام در نامه ای که به عثمان بن حنیف استاندار خویش در بصره فرستاد، فرمود: «أَلَا وَ إِنِّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَفْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنِّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطِمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنِّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَقَّةٍ وَ سَدَادٍ» (نهج البلاغه، نامه ۴۵) آگاه باش هر مامومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانشش بهره گیرد، بدان امام شما از دنیایش به همین دو جامه ی کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است، آگاه باش شما توانایی آنرا ندارید که چنین باشید. اما ورع، تلاش، عفت، پاکی و پیمودن راه صحیح مرا یاری دهید.

۲-۱-۲. کم هزینه بودن

ساده زیستن علاوه بر راحت گرفتن زندگی باید با کم خرج بودن نیز همراه باشد مدیران و مسئولین باید از روحیه سادگی برخوردار باشند و با اسراف مقابله کنند. چه در زندگی شخصی چه در مسولیت و مقامی که هستند همان گونه که در سیره پیامبر می بینیم که درباره رسول خدا نوشته شده: «كَانَ خَفِيفَ الْمُؤْنَةِ؛ پیامبر در زندگی کم خرج بودند». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۴).

امام صادق علیه السلام نیز در توصیف پارسایان می فرماید: «إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَخَفُّ أَهْلِ الدُّنْيَا مَوْنَةً وَ أَكْثَرُهُمْ مَعُونَةً» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۷۸، ص ۲۶۲) به درستی که اهل تقوا کم خرج ترین مردم دنیا و پر کارترین آنان هستند.

۳-۱-۲. اهمیت ساده زیستی

ساده زیستی و کم خرج بودن و قناعت از منظر اسلام، ارزش والایی دارد و از چند حیث اهمیت دارد.

اول اینکه انبیا و امامان ما همه ساده زیست بودن، دوم در سیره ایشان از ساده زیستی به عنوان ارزش بس والا نامبرده شده است و آن را نشانه پارسایان نامیده اند.

امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْعَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ انْتَهَظَ الرَّاحَةَ، وَ تَبَوَّأَ خَفَضَ الدَّعَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱) هر کس به مقدار کفایت، قناعت کند، آسایش می یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می کند.

امام خمینی نیز در این باره می فرماید: «ان الرجال العضاء الذين قدموا خدمات جلیله لشعوبهم كانوا في الغالب يعيشون حياة بسيطة زاهدين في زخارف الدنيا؛ مردان بزرگی که خدمت های بزرگ برای ملت های خود کرده اند، اکثرا ساده زیست و

بی علاقه به زخارف دنیا بوده اند.» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷۱) و صد البته این روش زندگی امام راحل و رهبر انقلاب است.

اما در آخر به روایت اشاره می کنیم که در اصل همان خواسته رهبری در بیانیه گام دوم است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ، فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ» (کلینی، کافی ج ۲، ص ۷۸) مردم را با غیر زبان به دین بخوانید تا در عمل، از شما پارسایی، تلاش و کوشش، نماز و نیکو کاری را ببینند؛ زیرا این کار دعوت دین است.

مقام معظم رهبری در تفسیر روایت بالا چنین می فرمایند: «به غیر زبان یعنی با اعمالتان، اگر ما به زخارف دنیا بی اعتنا بودیم، اگر ما در آن راه هایی که به آن معتقدیم و داعی و مبلغ آن هستیم، قدم ثابت گذاشتیم، اگر ما پایبندی خودمان را به اصول دینی و اصول اسلامی و فرمایشات امام بزرگوار و آنچه که در نظام جمهوری اسلامی مقرر است، عملاً نشان دادیم، حرف ما در محیطی که پراکنده می شود، اثر خواهد کرد. آن وقت خیلی احتیاج به اصرار و فشار و زور نخواهد بود؛ بلکه جاذبه عمل، دیگران را به هماهنگی و همگامی و هماوایی وادار خواهد کرد.» (از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با فرمانده هان نیروی انتظامی، تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۲)

۴-۱-۲. راهکار عملی ساده زیستی

۴-۱-۴-۱. تمرین دادن نفس

اولین قدم در راه رسیدن به یک فضیلت اخلاقی رفتن به سراغ نفس است. یعنی باید نفس خود را عادت داد تا از آنچه در اختیار داریم بهترین استفاده را بکند و حظ خود را از مسایل مادی کم کند تا الگوی باشد برای افرادی که به او چشم دوخته اند. چنان که امیر المومنین در این باره می فرمایند: «وَإِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى ... لَأَرُوضَنَّ نَفْسِي رِيَاضَةً تَهْشُ مَعَهَا إِلَى الْقُرْصِ إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ مَطْعُومًا وَ تَقْنَعُ بِالْمِلْحِ مَادُومًا أَوْ أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟ وَ لَا أَشَارُ لَهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونُ أَسْوَأَ لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ! فَمَا خَلَقْتُ لِيشْغَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ، هَمُّهَا عِلْفُهَا» (نهج البلاغه، نامه ۴۵) همانا من نفس خود را با پرهیز کاری می پرورانم تا در قیامت در امان باشم.... چنان نفس خود را ریاضت می دهم که به یک قرص نان، هر وقت بیابم شاد بشود. آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمومنین خوانند و در تلخی ها روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی زندگی الگو آنان نگردم؟ آفریده نشده ام که غذای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پرواری که که تمام همت او علف است.

۴-۱-۴-۲. پرهیز از اشرافی گری

معنای لغوی تفرعن: متکبر و مغرور. خودبین. خودپسند واز خودراضی بودن است (دهخدا، تفرعن) خودخواهی و تکبر و خودنمایی کردن، گردنکشی کردن، جور و ستم کردن (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۳۵۳) است. وقتی مسئولی به دنبال فراهم کردن زندگی اشرافی می باشد در حالی که بقیه افراد جامعه زندگی ساده و در بیشتر موارد فقیرانه ای دارند و در تلاش برای سیر کردن شکم می باشند به دور از شان یه فرد بایمان و با اخلاق است. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «امیر المومنین می گوید: زندگی به سمت زهد باید برود. امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی گری می رود، بلاشک این انحراف است. برو برگرد ندارد. ما باید به

سمت زهد حرکت کنیم. نمی‌گوییم هم زهدهای آن چنانی که متعلق به اولیاء الله است، نه، مسئولان درجه یک، مسئولان درجه دو، تا آن مسئولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند.» (سخنان مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، تاریخ ۱۳۷۰/۱/۲۶)

۲-۲. شجاعت

شجاعت در لغت به معنایی قویدل، سریع النقل و با جرئت بودن هنگام جنگ است. کسی که در شدت جنگ، پر دل و سبک دست باشد و به آسانی اقدام کند، میان مردم شجاع خوانده می‌شود. (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۹، ص ۱۲۴۹۷) به بیان دیگر شجاعت استحکام قلب در هنگام جنگ و سختی است. (فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۲۱۲)

شجاعت در برخی از تقسیم بندی‌های کتب اخلاقی، آن قدر اهمیت دارد که یکی از چهار جنس فضایل اخلاقی شمرده می‌شود. با نگاهی به قرآن و سیره معصومین نیز جایگاه بی‌بدیل شجاعت را می‌توان دید. خداوند متعال در سوره فتح می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» محمد فرستاده خدا و کسانی که با اویند در برابر کفار سر سخت و شدید و میان خود ومهربان اند. و امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الشَّجَاعَةُ نَصْرَةٌ حَاضِرَةٌ وَفَضِيلَةٌ ظَاهِرَةٌ» (آمدی، غررالحکم، ج ۲، ح ۱۷۰۰) شجاعت، نصرتی نقد و فضیلتی آشکار است.

البته در منطق اهل بیت شجاعت فقط به مورد جنگ محدود نمی‌شود و مفهومی عام و فراگیر است. این شجاعت در حقیقت قدرت غلبه بر ترس‌های موهومی است که انسان را از عمل کردن به حکم عقل و شرع دور می‌کند. ترس از دست دادن مواهب مادی و کم شدن ثروت و مال، و از دست دادن محبوبیت و مواردی از این قبیل که سبب می‌گردد که انسان از عمل به وظیفه و حکم عقل سر باز زند. (تحریری، اخلاق اجتماعی، ص ۱۰۴)

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم مسئولان را به این نوع شجاعت فرا می‌خواند و می‌فرماید: «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در هر حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد.»^۵

۲-۲-۱. نشانه‌های شجاعت

از نگاه معنوی و اسلامی همانطور که گفتیم شجاعت غلبه بر ترس موهوم است، پس می‌توان گفت چنین فردی ویژگی‌های دیگری نیز دارد که مهم‌ترین آن را می‌توان تسلط بر نفس، بردباری و پرهیز از خشم دانست.

۲-۲-۲. تسلط بر نفس

تسلط بر نفس، به این معناست که شخص شجاع باید بیش از هر چیز بر نفس خود مسلط باشد و نفس را از گناه و کارهای زشت دور نگهدارد در اسلام میارزه با نفس را جهاد اکبر می‌نامند. در حالی که جنگ با دشمن را جهاد اصغر می‌گویند.

۵- فتح: ۲۹؛

حضرت پیامبر صلی الله علیه وآله زمانی که گروهی از اصحاب شان از جنگ برگشتند. چنین فرمود: «مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۸۲) آفرین بر گروهی که جهاد اصغر را پشت سر گذاشتند و جهاد اکبر را در پیش دارند. گفته شد: ای رسول خدا، جهاد اکبر چیست؟ حضرت فرمود: پیکار با نفس.

در منطق و کلام امام علی علیه السلام شجاع ترین افراد کسانی هستند که توانسته باشند به خوبی از عهده هوای نفس برآمده باشند و آن را تحت کنترل عقل قرار داده باشند. از این رو در منابع روایی از امام علی علیه السلام این چنین نقل شده است: «أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۸۵، ح ۶۳۸۷) دلیرترین مردم کسی است که بر هوای نفس خویش پیروز گردد.

۲-۲-۳. بردباری و پرهیز از خشم

این واژه مصدری عربی، از ریشه حل م، و معادل بردباری در زبان فارسی است. (ابن فارس، ذیل واژه "حلم" و بیهقی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۴۰)

صفت مشبیه آن حلیم است.

منابع لغت، حلم را علاوه بر بردباری، به درنگ و تأمل، تأخیر در کیفر خطاکار، خویشتن‌داری از هیجان غضب و، عقل معنا کرده‌اند (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، کتاب‌العین، ذیل واژه "حلم"، وعسکری، ۱۴۱۲، ج ۱، ۱۹۹ و راغب، ۱۳۳۲، ص) و سبکسری، سبک‌مغزی (طیث) و سَفَه (بی‌خردی) را مفهوم مخالف آن دانسته‌اند.

البته عقل از معانی حقیقی حلم نیست، اما چون یکی از اسباب بروز حلم است، مجازاً حلم را عقل معنا کرده‌اند. (زبیدی، ۱۴۷۱۴، ج ۱، ص) حلم در لغت به معنایی بردباری و شکیبایی است و در اصطلاح به معنای خویشتن‌داری هنگام هیجان و غضب (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۲۹)

بد اخلاقی و خشم ورزی، هیچ ارتباطی با شجاعت ندارد. امام علی علیه السلام فرموده اند: «أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ الْجَهْلَ بِالْحِلْمِ» (آمدی، ج ۱، ص ۲۰۹) دلاور ترین مردم کسی است که با بردباری بر نادانی پیروزی یابد..

پس به توجه به مطالب گفته شده شجاع کسی نیست که قدرت شکست و نابودی دیگران را داشته باشد بلکه پیش از آن باید توان چیره شدن بر خود و نفوسش را داشته باشد.

۲-۲-۴. ضرورت شجاعت

همانطور که تا کنون گفته شد شجاعت مخصوص میدان جنگ و درگیری نیست و در هر لحظه از زندگی افراد تاثیر خود را دارد. وقتی یک مدیر و مقامی که در یک منصب دولتی نشسته است با شجاعت تصمیم بگیرد و ترس را کنار بگذارد صد البته که این امر باعث پیشرفت آن کشور می شود چون ترس باعث می شود عقل درست عمل نکرده و فرد در تصمیم گیری بماند و در تعارض منافع خود و صلاح کشور منافع خود را انتخاب کند. ولی فرد شجاع تمام ترس ها را کنار می گذارد و با درکی درست از موقعیت بهترین تصمیم و عملکرد را از خود نشان می دهد بخصوص در مقابل بیگانگان که از هر فرصتی برای تلقین ترس و ناتوانی استفاده می کنند.

امام علی علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «وَرَايَتَكُمْ فَلَا تَمِيلُوهَا وَلَا تُجْلَوْهَا وَلَا تَجْعَلُوهَا أَلَّا بَايِدَى شَجَاعَتِكُمْ وَالْمَانِعِينَ الدَّمَارَ مِنْكُمْ، فَإِنَّ الصَّابِرِينَ عَلَى نُزُولِ الْحَقَائِقِ هُمُ الَّذِينَ يَحْفُونَ بِرَايَاهُمْ» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۱۲۴) پرچم خویش را در اهتزاز نگه دارید، از گردش پراکنده نشوید و آن را جز به دست شجاعان و دلیر مردانتان، که در مصاف با دشمن شرف و آبرویتان را حفظ می کنند، مسپارید زیرا آنها در حوادث سخت ایستادگی می کنند، از پرچم های خود بهتر پاسداری می نمایند.

همچنین حضرت می فرماید: «مَجِبَلَتِ الشَّجَاعَةُ عَلَى ثَلَاثَ طَبَائِعٍ، لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ فَضِيلَةٌ لِيَسْتَ لِلْآخِرَى: السَّخَاءُ بِالنَّفْسِ، وَالْإِنْفَةُ مِنَ الذَّلِّ وَطَلَبُ الذِّكْرِ» (حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۲) شجاعت را با سه غریزه سرشته اند که هر یک امتیازی ویژه دارد (که در آن دو نیست) فداکاری. ننگ داشتن از ذلت (زیر بار ذلت نرفتن) و نامجوئی.

۲-۵. آثار شجاعت در زندگی انسان

امام علی علیه السلام در فرمان مالک اشتر که «بزرگ ترین فرمان الهی سیاسی» برای کشور داری است، در موارد فراوانی به موضوع شجاعت اشاره کرده است. ایشان به مالک هشدار می دهد با افراد ترسو و حریص مشورت نکند و درباره انتخاب معاونین و کارگزاران می فرماید: «ثُمَّ الصَّقُّ بِذَوِي الْمِرْوَاتِ وَالْإِحْسَابِ وَأَهْلِ الْبَيْتَاتِ الصَّالِحَةِ وَأَسَاقِيقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلُ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاخَةِ، فَانْهَمِ جَمَاعٍ مِنَ الْكِرَمِ وَشُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۵۳) رابطه خود را با افراد با شخصیت و اصیل و خاندان های صالح و خوش سابقه برقرار ساز، سپس با افراد شجاع و با شهامت و سخا و تمند و بزرگوار همکاری داشته باش؛ زیرا؛ آن ها کانون بزرگواری و مرکز نیکی هستند.

در مطلب بالا امام موضوع شجاعت و شهامت را از صفات برجسته کارگزاران و به طور عام صفت برجسته همه انسان ها برشمرده است و آن ها را مرکز خیر نامیده است پس افراد شجاعت هم مسئولین خوبی هستند و هم طرف مناسبی برای مشورت کردند و باز به فرموده امام متقیان «الشَّجَاعَةُ زَيْنٌ، أَلْجَبُنُ شَيْنٌ» (آمدی، ج ۱، ص ۲۱) شجاعت زینت است و ترس عیب.

خطبه معروفی که امام سجاد علیه السلام در شام ایراد فرمودند چنین آغاز می شود: «أَيُّهَا النَّاسُ أُعْطِينَا سِتًّا وَفُضِّلْنَا بِسَبْعٍ. أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاخَةَ وَالْفَصَاخَةَ وَالشَّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۱۳۸) ای مردم، خداوند شش موهبت به ما عطا فرموده و به هفت چیز ما را برتری داده است. آن شش موهبت عبارتند از علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبوبیت در دل مومنان.

احادیث و روایاتی از این قبیل در باره شجاعت فراوانند و هر کدام به یک جنبه از این فضیلت اخلاقی اشاره می کنند و معنا و مفهوم گسترده آن را پیش چشم ما نمایان می سازند. ولی در هر کدام از حالات ارزش والای آن کاملاً روشن و واضح است.

۳-۲. عدالت و مبارزه با فساد اداری

عدل یعنی حکم کردن به حق (ازهری، تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۱۲۵) و تقسیم کردن مساوی.

در قرآن به واژه عدل باره ها اشاره شده مثلاً خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» خداوند به دادگری و احسان فرمان می دهد» یا درسوره دیگری می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أُو

الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ^۷ ای کسانی که ایمان آوردید، به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید گر چه به زیان خود، پدر و مادر و خویشانتان باشد.

و نیز می فرماید: «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى»^۸ و هنگامی که سخنی می گوئید، عدالت را رعایت کنید؛ حتی اگر درباره نزدیکان (شما) بوده باشد. نمونه های از این دست در قرآن فراوانند.

منطق قرآن چنین است که حاکم و سرپرست اجتماع را به عنوان امین و نگهبان اجتماع می شناسد، و حکومت عادلانه را نوعی امانت که به او سپرده شده است و باید ادا شود تلقی می کند. و برداشت ائمه همان چیزی است که قرآن استنباط می کند. (مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۳۱)

یکی از اهداف انبیا اقامه و برپایی عدل در جهان است و زمینه این عدل جهانی این است که باید برخی از شاخص ها در افرادی که عاملان و مسئولان برپایی عدالت هستند ایجاد شود که اولین شاخص ایمان است فرد با ایمان توانایی لازم را برای تحقق عدل دارد وی تمام دشواری ها را به جان می خرد تا در مقامی که هست به عدالت رفتار کند و شاخص دیگر تعلیم و تربیت است یعنی فرد حق را بشناسد و برای تحقق آن تربیت شود اگر فردی تعلیم مربیان الهی را به درستی بیاموزد خود خواستار عدالت خواهد شد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می فرماید: «عدالت در صدر هدف های اولیه ی همه ی بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شان و جایگاه است؛ این، کلمه ای مقدس در همه زمان ها و سرزمین ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه ای بر عهده ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.»^۹

انسان از دو طریق به انحراف و خروج از عدالت کشیده می شود: یکی با ظلم و ستمگری و پایمال کردن حقوق یکدیگر که به خروج از مسیر عدالت منتهی می شود. و دیگری جهالت و نادانی که به گمراهی و اشتباه می انجامد. خروج از عدالت و جهالت و نادانی، انسان را از تعادل خارج می کند و به افراط و تفریط در کارها سوق می دهد.

اکنون بعد از بحث کوتاهی که درباره عدل شد یکی از مصادیق عدل را که مبارزه با فساد و پاک سازی آن از جامعه است را بیان می کنیم. و به این موضوع می پردازیم که چگونه باید با فساد حکومتی مبارزه کرد زیرا با توجه به گفته رهبر در بیانیه گام دوم: «فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی توده چرکین کشورها و نظام ها و اگر در بدنه ی حکومت ها عرض شود، زلزله ویران گر و ضربه زننده به مشروعیت آن ها است... و این ایجاب می کند دستگاه های کار آمد با نگاهی تیز بین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشند.»^{۱۰} می توان گفت این مبارزه با فساد را می توان از ادارات دولتی شروع کرد.

۷- نساء: ۱۳۵

۸- انعام: ۱۵۲

۹- <https://mizanonline.com>

۱۰- <https://mizanonline.com>

۱-۳-۲. فساد اداری

فساد در لغت در معنای تباهی و ضد صلاح به کار رفته است. (کتاب العین، واژه «فسد» برخی لغویان گفته‌اند: فساد عبارت است از خروج از حد اعتدال؛ کم باشد یا زیاد.) [۲] (لسان العرب، واژه «فسد»). این معنا در نفس و بدن و اشیایی که خروج از استقامت و حد اعتدال در آنها متصور است به کار می‌رود. (المفردات (راغب)، واژه «فسد»). تباه شدن، تباهی، پوسیدگی، فتنه و آشوب. (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۹۶)

اخلاقی که حکومت‌ها باید رعایت کنند و در ادارات حکومتی سر لوحه عمل کارکنان قرار گیرد نیازمند اموری است تا بتواند بستری برای تحققش بیابد. اکنون به چند مورد اشاره می‌کنیم.

۱. شایسته سالاری و اهلیت گرایی که از مهمترین مقدمات اخلاق است که هرکس باید بر اساس صلاحیت‌ها و توانمندی‌هایش در جای مناسب خود قرار گیرد.
۲. علاقمندی شخصی که انسان در جایگاه اداری و کاری مناسب، روحیات و انجام دادن کارش با عشق و علاقه باشد.
۳. تأمین مالی که از عمده‌ترین تمهیدات است زیرا دغدغه معاش و نگرانی گذران زندگی آبرومند زمینه‌های تحقق اخلاق اداری را تباه می‌کند.
۴. قانونگرایی و مرزبانی که باعث پاس داشتن حریم آدمی است.
۵. امنیت شغلی که زمینه ساز و برپا دارنده اخلاق اداری است و ... (دلشاه تهرانی، ارباب امانت (اخلاق اداری در نهج البلاغه)، ص ۱۴۳)

۲-۳-۲. آفات اداری

آفاتی که می‌تواند یک نظام مطلوب را تهدید کند و با ناکارآمد و ضعیف کردن حکومت، سبب دلسردی مردم می‌شود، عبارت‌اند از: صفات مدیران و مسئولان، روابط نهادهای حکومتی باهم، روابط مردم با نهادها و کارگزاران.

مهم‌ترین آفات عبارتند از: کارگزاران نالایق، احتجاب، رشوه خواری و کاغذبازی، خواص گرایی، ابهام سیاست و... (شکراللهی، آسیب شناسی حکومت دینی، ص ۳۵)

همچنین دلایل گوناگونی را برای فساد اداری در جوامع مختلف بر شمرده‌اند: فقر اقتصادی و نابسامانی‌های درآمدی کارکنان سازمان‌ها، فقر فرهنگی و عدم وجود باورهای استوار اخلاقی و نبود مقررات و قوانین بازدارنده و نظام‌های کنترلی موثر از زمره دلایل اصلی بروز فساد اداری بوده است؛ اما شاید مهمترین دلیل اشاعه فساد اداری، نبود ساختارهای شفاف و روشن انجام امور در سازمان‌هاست؛ در محیط‌های اداری غیر شفاف و مبهم، امکان کجروی‌های اداری افزایش می‌یابد و انجام رفتارهای فساد آلود تسهیل می‌شود.

۳-۳-۲. راهکارهای مبارزه با فساد اداری

به جرأت بتوان ادعا کرد که مؤثرترین و کاراترین شیوه‌های مبارزه با فساد اداری خروج از فضای تاریک و سایه و شفاف سازی محیط و ساختارهای اداری است. گام بعدی پس از شناخت عوامل و گلوگاه‌های بروز فساد اداری، پیگیری مجدانه

راهکارهایی پیشگیرانه، باز دارنده و بهبود بخش در چارچوب برنامه های میان مدت و بلند مدت می باشد. بنابراین باید شناخت دقیق و علمی از علل و فساد بدانیم. از منظر امام علی علیه السلام یکی از مهمترین ویژگی های اداره سالم به روایت نهج البلاغه، اصرار و تأکید بر حفظ و حراست از بیت المال است که باید دو جنبه را در نظر داشت:

۱. حفظ بیت المال از به یغما رفتن توسط قدرتمندان و ویژه خواران؛

۲. حفظ آن از حوادث روزگار و بحران های اجتماعی.

لازم به ذکر است که در هر صورتی، مردم در شمار مهمترین دارایی جامعه هستند و رشد و تعالی آنها مدنظر است؛ لذا حکومتها حق ندارند به بهانه حفظ بیت المال، مردم را در تنگنا بگذارند (پورعزت، اداره سالم به روایت نهج البلاغه، ص ۴۰)

۴-۳-۲. مبانی اخلاق اداری

مهمترین مبنا در سامان یافتن اخلاق اداری، تصحیح بینش کارکنان و به سامان آوردن نوع نگاه آنان به خودشان و مردمان و مسئولان و وظایفشان است. وقتی که نگاه انسان به خود و مردم و مافوق خود و کار اصلاح شود و با نگاهی توحیدی به آن بنگرند، کار کردن عین خدمت کردن و عبادت نمودن است.

ارزش آدمی به نوع بینش اوست. آنچه موجب سلامت نفس است نگاه پارسایانه انسان به دنیاست.^۱ فرهیختگی و دانایی از مهمترین ملاکها می باشد که ارزش انسانها بدان است و از بالاترین فضیلت های آدمی است؛ همچنین درسرخان امیرمؤمنان علیه السلام چنین آورده شده است: «أَسُّ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ» سر فضیلتها علم و دانایی است. (خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۹)

ازجمله دیگر ملاکها این است که هرکسی در هر مرتبه ایی امانتدار مردم است. امانتداری ازچنان اهمیتی برخوردار است که حضرت علی علیه السلام آن را اساس و رأس اسلام و برترین ایمان معرفی کرده و فرموده است: «رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ» رأس مسلمانی امانتداری است. (همان، ص ۴۷)

نتیجه گیری

همانطور که گفته شد و می دانیم اخلاق موتور محرک جامعه است. و این اخلاق است که به کمک دیگر مولفه ها جامعه را به پیش می راند علم بدون اخلاق خسران است و از این رویکی از وظایف دولت و حکومت زمینه و بستر سازی برای آن است. و برای اینکه حکومتی بتوان زمینه ساز امری باشد ابتدا باید خود به آن ویژگی ملبس باشد. در این مقاله با تکیه به بیانیه گام دوم ما برآن شدیم تا چند فضیلت اخلاقی برای حکومت بیابیم که در صورت دارا بودن آنها می تواند زمینه اخلاق مردای ملت را نیز فراهم کند.

اولین اخلاق ساده زیستی می باشد اگر مسئولی خود زندگی اشافی داشته باشد نه تنها نمی تواند مشکلات مردم را درک کند بله در رفع آن نیز نمی کوشد. دومین فضیلت اخلاقی شجاعت بود. و بعد از بحث به این نتیجه رسیدیم که اگر مسئولی شجاعت لازم را نداشته باشد در جای که منافع مردم با منافع خودش در تضاد است منفعت خود را مقدم خواهد کرد و در برابر

^۱- دلشا تهرانی، ارباب امانت، ص ۵۵.

تهدیدات ناتوان خواهد ماند. و در آخر به بیان عدل و مبارزه با فساد اداری پرداختیم که به این نتیجه رسیدیم تا زمانی که فساد در ادارات و مقامات دولتی باشد هرگز نمی توان ادعای عدالت گستری داشت و راهکار های مبارزه را نیز مطرح کردیم.

منابع و مآخذ

- قرآن، ترجمه ایت الله مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳، ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نهضت جهانی نهج البلاغه خوانی، ۱۳۹۵.
- ابن منظور، لسان العرب، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق؛
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- اکبری، محمد رضا، نهج الرسول (سخنان پیامبر صلی الله علیه وآله)، تهران، تبلیغات اسلامی چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۳، ش.
- انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، بی جا، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۸، ۱۳۸۹، ش.
- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۳۲۳، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۴ ق.
- بیهقی، احمد بن علی، تاج المصادر، ج ۱، ص ۳۴۰، چاپ هادی عالمزاده، تهران ۱۳۶۶
- پورعزت، علی اصغر، اداره سالم به روایت نهج البلاغه، بی جا، طرحی برای مبارزه با فساد اداری، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۹۰، ش.
- تحریری، محمد باقر، اخلاق اجتماعی، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۶، ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، محقق مصطفی داریتی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶، ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰، ق.
- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴، ق.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹، ق.
- خوانساری، محمد بن حسین جمال الدین، شرح غررالحکم و دررالکلم، تصحیح جمال الدین ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴.
- دلشادتهرانی، مصطفی، ارباب امانت (اخلاق اداری در نهج البلاغه)، تهران، انتشارات دریا، چاپ ۶ زمستان ۱۳۷۹، ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه شریف، ۱۳۴۶، ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالعلم، ۱۴۱۲، ق.
- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- شکراللهی، مرتضی (نادر)، آسیب شناسی حکومت دینی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم ۱۳۸۴، ش.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ویراستار: عزیزالله علیزاده، تهران، راه رشد، ۱۳۸۹، ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، چاپ دوم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰، ق.
- کردی، حمید رضا، صداقت، محمد رضا، شاکر، ابوالقاسم، اخلاق اسلامی (فردی، اجتماعی، مدیریتی)، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۵، ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۱۴۰۷، ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه وفاق، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دار الحدیث، قم، جلد ۱، ۱۳۷۷، ش.

محمدیان، محمد، جاودانه تاریخ(نگاهی به ابعادشخصیتی امیر المومنین علی علیه السلام در بیانات حضرت آیت الله سید علی خامنه ای)، تهران، مرکز نشر انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ه، ش.

مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، قم، انتشارات صدرا، بی تا.

موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ه، ش.

مقالات

حبیب نژاد، احمد، منصوری بروجنی، محمد«ساحت های اخلاق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر رویکرد حکومت دینی»، فلسفه دین، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸ه، ش.

فلاح، محمد جواد، «دیدگاه های اخلاقی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، مجله معارف، شماره ۱۱۶ فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ه، ش.

سایت ها

<https://farsi.khamenei.ir/archive> .۲۶

<https://mizanonline.com>